

بسم الله الرحمن الرحيم

نکاتی از سخن‌رانی پنج‌شنبه، ۴ آذر ۱۳۹۵

آیه مورد بحث

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»

ضرورت فرستادن قوانین به صورت مکتوب

این آیه کریمه در مقام بیان حرکت تکاملی انسان است که اجمالا به سه بخش تقسیم می‌شود. بخش اول مربوط به پیامبران خدا سلام الله علیهم اجمعین است که ایشان مسئولیت خود را اجرا می‌کنند. بخش دوم عملکرد انسان مکلف است که با توجه به معیارهای الهی، یعنی نحوه‌ی عملکرد و تفسیر ائمه‌ی طاهیرین صلوات الله علیهم اجمعین در هر بُعد از ابعاد دین مقدس، مشخص می‌شود. بخش سوم نتیجه‌ی است که از این حرکت حاصل می‌شود و آن نتیجه این است که جامعه از وضع ابتدایی خود، یعنی یک جامعه‌ی طبیعی و غیر متوجه به قیامت و معاد، به یک جامعه‌ی متوجه و مؤمن به قیامت تغییر پیدا می‌کند. بدین ترتیب افراد این جامعه، عملکردی مطابق با ضوابط دینی، براساس تفسیر ائمه‌ی طاهیرین صلوات الله علیهم اجمعین خواهند داشت و این جامعه یک جامعه‌ی موقفی خواهد شد.

خدای متعال می‌فرماید: ما با پیامبران و رسولان خود، کتاب را برای مردم فرستادیم که منظور کتب آسمانی است. حکمت ارسال رسل با کتاب در هر دینی این است که اگر رسولان حق تعالی کتابی که مشتمل بر قانون خدای متعال باشد همراه نداشته باشند، محتوای این کتاب به صورت ثابت در اختیار مردم نمی‌ماند. اما هنگامی که مطالب به صورت مکتوب به مردم عرضه شد این محتوا محفوظ می‌ماند و تغییرپذیر نیست، مگر این که عمداً تغییر داده شود. شیطان مخلوق حق تعالی است و خلقت او هم با حکمت حق تعالی تطبیق می‌کند. این شیطان قبل از شیاطین انس در دل‌ها و افکار انسان‌ها نفوذ می‌کند و آن‌ها را آماده می‌کند که از او تبعیت و پیروی کنند.

در چنین صورتی، این انسان که وظیفه‌اش بندگی خدای متعال بوده است را هر نوع انحرافی تهدید می‌کند؛ از جمله در کتاب آسمانی و در احکام آسمانی تصرف می‌کند. هنگامی که در نسخه‌های انسان‌ساز الهی تصرف شد، آن نسخه‌های تحریف شده قدرت انسان سازی ندارد، اگرچه به آن‌ها عمل شود و مورد اجرا قرار گیرد. همان‌گونه که دخل و تصرف در نسخه‌ی پزشک از جهت کمیت یا کیفیت، موجب می‌شود که آن نسخه نتواند درمان‌کننده‌ی بیمار باشد، زیرا این نسخه، نسخه‌ی واقعی نیست.

نیاز کتب آسمانی به تبیین و توضیح

خصوصیت کتب آسمانی این است که نیاز به تبیین و توضیح دارد. مشابه این امر کتاب قانونی است که در هر کشوری، بعد از وضع قوانین توسط قانون‌گذار، به صورت نوشته درمی‌آید و در اختیار مردم قرار می‌گیرد. اما این قوانین احتیاج به توضیح و تفسیر دارد. در کشور ما در کنار مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان وجود دارد که قوانین تصویب شده در مجلس را از جهت تطابق با دین مقدس اسلام مورد بررسی قرار می‌دهد. در صورت تأیید این شورا، آن قانون اعتبار و ضمانت اجرایی پیدا می‌کند.

قرآن یک کتاب آسمانی فشرده است. بخشی از آیات روشن است، اما بخشی از آیات که اصطلاحاً متشابهات گفته می‌شود به گونه‌ای است که انسان به تنهایی نمی‌تواند از آن‌ها استفاده کند و باید منتظر بیان و توضیح امام معصوم صلوات الله علیهم اجمعین باشد. غیر از آیات متشابه، بعضی از قوانین قرآنی هم اجمال و ابهام دارد که آن ابهام هم بایستی به وسیله‌ی اولیاء معصومین صلوات الله علیهم اجمعین روشن شود. به عنوان مثال در قرآن کریمی که در اختیار ما است، خدای متعال امر به نماز و روزه و زکات فرموده است، اما هیچ‌یک از این موضوعات روشن نیست. تعداد رکعات نمازهای پنجگانه یا خصوصیات زکات در قرآن ذکر نشده است. بیان و توضیح این مبهمات به وسیله‌ی ائمه‌ی معصومین صلوات الله علیهم اجمعین صورت می‌گیرد.

اگر خدای متعال در قرآن کریم همه‌ی احکام را به آن مقداری که مردم نیاز به تفسیر کننده نداشته باشند توضیح می‌داد، شاید قرآن متجاوز از صد جلد می‌شد و دیگر قابل استفاده برای نوع مردم نبود. اما وجود مقدس ائمه‌ی طاهیرین صلوات الله علیهم اجمعین مبین آیاتی هستند که از جهت حکم یا موضوع مبهم است. وجوب نماز، روزه و زکات از جهت حکم مبهم نیست، ولی از جهت موضوع و شرائط موضوع مبهم است. رفع ابهام آن با روایات موثقه‌ای که از امامان معصومین صلوات الله علیهم اجمعین رسیده است ممکن می‌شود. دین مقدس اسلام از نظر وسعت و عمق قابل مقایسه با هیچ قانونی از قوانین موضوعه‌ی بشری نیست و شاید حجم آن هزار برابر قوانینی باشد که مخلوق انسان عادی است.

اگر الان در جامعه‌ی ما، کارشناس‌های فنی و مراجع بخواهند همه‌ی فروع را بنویسند باید هزار جلد توضیح المسائل بشود و یک چنین احکامی اصلاً قابل ضبط و حفظ نیست تا این که انسان در هنگام لازم به آن عمل کند. در نتیجه انسان در هر زمان به یک مفسر زنده نیاز دارد. در زمان معصومین صلوات الله علیهم، آن وجودات مقدس و در زمان غیبت، ابتدا نواب خاص آن‌ها و پس از هفتاد سال و در زمان غیبت کبری نواب عام آن بزرگواران مبین هستند. اشخاص عادی نمی‌توانند این احکام را از قرآن و روایات استخراج کنند و این امر مخصوص افرادی است که عمری را برای این کار صرف کرده‌اند و تخصص دارند. حجم احکام و دستورات این دین از این‌جا روشن می‌شود که هم برای اموری مانند ورود و خروج از

دستشویی دستور و دعا وجود دارد و هم در مسائل مهم جامعه که ضرورت دارد مورد توجه قرار بگیرد، دستوراتی داده شده است. در نتیجه غیر از متخصص کسی قادر نخواهد بود که تکلیف مردم را روشن کند.

دلیل اختلاف فتوا بین فقهاء و علماء اسلام

وجود اختلاف در نظرات فقها را می‌توان با اختلاف نظر پزشک‌ها در تشخیص بیماری و طرز درمان آن مقایسه کرد که چه بسا این اختلافات اساسی‌تر و عمیق‌تر است و در مواردی قابل حل نیست. اختلاف بین نظرات فقها، اختلافات عمیق و جوهری نیست و شاید نود درصد آن‌ها را بتوان با عمل به احتیاط بین نظریه‌ی چند فقیه جمع کرد. یکی از مسائل مورد اختلاف فقها، اختلاف در تعداد لازم برای قرائت تسبیحات اربعه در رکعت سوم یا چهارم نماز است. بعضی از فقهاء یک تسبیحات اربعه را کافی می‌دانند و بعضی‌ها از سه تا کمتر را کافی نمی‌دانند و بعضی هم به صورت احتیاط واجب فتوا می‌دهند که از سه تا کمتر نخوانند. اگر کسی احتیاط کند و سه بار تسبیحات را بخواند به نظریه‌ی همه فقها عمل کرده است. نود و نه درصد این مشکل در زمان غیبت برای کارشناس‌ها و فقهاء شیعه به وجود آمده است و یک درصد آن هم در زمان حضور آن بزرگواران محتمل است. مثلاً در زمان غیبت صغری، ممکن است نواب اربع سلام الله علیهم در شنیدن جواب حجت خدا صلوات الله علیه به سؤال مردم، یا در بیان آن جواب به مردم اشتباه کرده باشند و آن اشتباه موجب اختلاف شود. بنابراین در آن مقطع زمانی هم احتمال اشتباه صفر نمی‌شود. چون نواب خاص معصوم نیستند، اما اشتباهاتی که در زمان غیبت کبری برای ناقلین احکام شرعی مثل فقها به وجود می‌آید خیلی بیشتر است و هر چه فاصله بیشتر بشود و هر چه در روایات واسطه بیشتر وجود داشته باشد و واسطه طولانی‌تر شود، احتمال خطا افزایش می‌یابد. روایاتی که مرحوم صدوق علیه الرحمه در عیون اخبار الرضا صلوات الله علیه نقل می‌کند با توجه به فاصله‌ی زمانی او تا زمان ما که حدود هزار سال است، دو-سه واسطه یا حداکثر پنج-شش واسطه تا امام معصوم صلوات الله علیهم اجمعین دارد. در نتیجه احتمال خطا خیلی کمتر می‌شود. طبیعت غیبت کبری با توجه به میزان دور و نزدیک بودن از زمان معصوم صلوات الله علیهم در خطاها و اشتباهات اثر می‌گذارد. قهراً این اختلافات بین فقها هم به وجود می‌آید و قابل اجتناب و دوری کردن نیست. برطرف شدن اختلاف هم با تشریف آوردن آن بزرگوار صلوات الله علیه و روحی له الفدا است. البته با تشریف داشتن حضرت هم اختلافات صفر نمی‌شود، زیرا همه مردم در آن شهری که آن بزرگوار تشریف دارند حضور ندارند و نمی‌توانند بلاواسطه خودشان خدمت حضرت برسند و سؤال کنند. با افزایش تعداد واسطه‌ها احتمال اختلاف هم بیشتر می‌شود. هرچند در یک جامعه‌ی طبیعی که مبتلای به عوارض، مثل غیبت معصوم صلوات الله علیهم اجمعین نشده باشد این اختلافات چشمگیر نیست. در این زمان مراجع آن چه که می‌فهمند بدون کم و زیاد، برای مردم بیان می‌کنند. به دلیل اختلاف در فهم‌ها، نظرات هم مختلف می‌شود. مسائل به همین مقدار حل می‌شود تا جامعه این کمبود و بیماری را که غیبت معصوم صلوات الله علیهم است را پشت سر بگذارد و موفق به تشریف خدمت آن بزرگواران صلوات الله علیهم اجمعین بشود.

منظور از میزان

میزان در فارسی به معنی ترازو است. معصومین صلوات الله علیهم معیار و میزان هستند و مشخص می‌کنند وزن و حجم هر حکمی که در قرآن کریم وجود دارد چقدر است. عملکرد، فرمایشات و تقریر این بزرگان به دلیل این که معصوم هستند برای مردم حجت است. تقریر یعنی تایید و به این معنا است که ایشان با مشاهده‌ی کاری در بین افراد جامعه، سکوت کرده‌اند در حالی که می‌توانستند سکوت نکنند و بفرمایند که این کار خلاف است. پس قول و فعل و تقریر معصومین صلوات الله علیهم در زمان خودشان حجت است.

البته قول آن بزرگواران برای زمان بعد از خودشان نیز هست. تقریر ایشان هم در صورتی حجت است که با یک سلسله نسب صحیح، اثبات و نقل شده باشد، یعنی این تقریر به نقل موثق اثبات شده باشد. اما حجیت فعل به این مقدار است که آن عمل حرام نیست، زیرا اگر حرام بود، آن حضرت چون معصوم است، آن فعل را مرتکب نمی‌شد. فعل معصوم صلوات الله علیهم بیش از این نمی‌تواند اثبات حجیت کند. ولی قول و گفتار چنین نیست و روایاتی که در دست علما است نوعاً واجب و مستحب یا مکروه و حرام را کاملاً بیان و مشخص می‌کند و انسان به روشنی آن‌را می‌فهمد.

این بیان و شفافیت در ضریب اهمیت احکام دین، به وسیله‌ی ائمه‌ی طاهیرین صلوات الله علیهم اجمعین صورت گرفته است. بنابراین ایشان میزان هستند. در کنار قرآن کریم و هر کتاب آسمانی باید میزان معصوم دور از خطایی وجود داشته باشد که بیانگر احکام از جهت وجوب و استحباب یا از جهت حرمت و کراهت باشد و هم حدود موضوع را بیان کند. تا این که انسان نه از جهت موضوع و نه از جهت حکم، جهل و ابهام نداشته باشد. این بزرگواران در حد عصمتشان قداست دارند. در زمان غیبت هنگامی که این بیانگری و مفسر احکام و مفسر آیات بودن و مبین روایات بودن در علما غیر معصوم به وجود می‌آید، گفتار و عملکردشان تا حد عدالت خودشان، حجت است، اما این حجت در کاشفیتش رقیق‌تر است از آن حجیتی که انسان از خود معصوم صلوات الله علیهم اجمعین می‌گیرد. اما چون در زمان غیبت بیش از این مقدار حجت در اختیار ما نیست، وظیفه‌ی ما این است که به این عمل کنیم، زیرا ما عقلاً یقین داریم خدای متعال در زمان غیبت بندگان خود را یله و رها از احکام و تکالیف و عبادات قرار نداده است که خودسرانه عمل کنند. به عنوان مثال ما تصور کنیم سیگار کشیدن مباح است بعد معلوم شود حرام بوده است. بنابراین باید به آن چه که حجت عقلایی است مراجعه کنیم. حجت عقلایی، اخذ کردن به روایات موثق است که کارشناس‌ها هم به آن ترتیب اثر داده‌اند. ما به فرمایشات کارشناس‌ها عمل می‌کنیم و در صورتی که آن‌ها اشتباه کرده باشند، عمل‌کننده به دستور کارشناس روز قیامت مؤاخذه نمی‌شود. آن عالم هم که به

مقدار توانش در پیدا کردن حقیقت و واقع از کتاب و سنت عمل کرده است معذور است. لذا گفته‌اند که اگر گفتار او مطابق با واقع و خواست خدای متعال باشد، دو اجر خواهد داشت. یکی اجری که خدای متعال برای عمل به این حکم واقعی قرار داده است و دوم، اجر زحمت کشیدن در حد توان است.

پیروی از روش عقلا برای ترتیب اثر دادن به روایات

البته در این جا بین علما اختلاف است. نظر مرحوم نائینی رضوان الله تعالی علیه این است که هنگامی که ما می‌خواهیم مسئله‌ای را یاد بگیریم باید بینیم که اگر می‌توانیم به این مسئله قطع پیدا کنیم به دنبال به دست آوردن قطع برویم. اگر در این حد ممکن نیست. به دنبال به دست آوردن ظن برویم. اگر این حد هم ممکن نیست، به دنبال به دست آوردن اصول عملیه که مورد شک در واقع است برویم. یعنی ایشان برای حجت، مراتب قائل شده‌اند.

سایر علما گفته‌اند که ما می‌دانیم که شارع مقدس یک طریقه و یک روش اختصاصی در بین مردم نداشته و ندارد و نظر شارع همان روش عقلایی است. عقلا مثلاً برای آدرس گرفتن از کسی، همین مقدار که او را می‌شناسند و می‌دانند که آدم خوبی است و دروغ نمی‌گوید، به او اعتماد می‌کنند و ترتیب اثر عملی می‌دهند. این را روایت موثق می‌نامیم. فقها هم همین‌گونه عمل می‌کنند، زیرا اگر بخواهند به دنبال قطعیات بروند، باید نود و نه درصد احکام را کنار بگذارند.

یکی از اصحاب حضرت صادق صلوات الله علیه از یکی از دوستان خود که او هم از یاران آن حضرت بود شنید که آقا فرموده‌اند که بعد از من حضرت موسی بن جعفر سلام الله علیهما امام شما است. این فرد برای محکم‌کاری و احتیاط تصمیم گرفت که شخصاً از حضرت سؤال کند. این خبر را به حضرت رساندند. ایشان فرمودند که او اشتباه کرده است، زیرا شخصی که برای او این خبر را نقل کرده است، فردی موثق و از دوستان مورد اعتماد خودش بوده است و باید به همین خبر عمل می‌کرد. من نمی‌توانم برای همه‌ی افراد به صورت اختصاصی نامه بنویسم که بعد از من فرزند من حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیهما امام است. براساس ادله‌ای که ما داریم چنین احتیاطی و این‌گونه خود را به زحمت انداختن مورد نکوهش و انتقاد امام معصوم صلوات الله علیهم اجمعین واقع می‌شود. لذا نباید همه‌ی زندگی را برای رسیدن به یقین برای یک حکم مصرف کرد.

میزانی که در جامعه وجود دارد به لحاظ مراتب عصمت و بعد از آن مراتب عدالت، مختلف است. عقلاً هم در انجام دادن وظایف و گذراندن زندگی خود همین راه را می‌روند و به موثق عمل می‌کنند. ولی اگر موثق موجود نباشد، هم در قرآن و هم در روایات از پذیرش خبر غیرموثق نهی شده است. اگر مطالبی موثق نبود حق نداریم آن را نقل کنیم. مگر در نقل قسمت‌های در ذکر مصائب اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین که اگر محتوای نقل و روایت منافاتی با مقام اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین ندارد و نقل کردن آن موجب می‌شود که تغییر حالی برای مستمعین پیدا شود. در این صورت این نقل دور از ضابطه‌ی عقلایی نیست. در چنین جایی اگر انسان صریحاً بگوید بر حسب نقل، مشکل فقهی و شرعی ناشی از نقل غیرموثق رفع می‌شود. ولی در مطالبی که نقل آن از غیر موثق، موجب شیوع این محتوا و موجب فساد و مشکل در جامعه می‌شود، در آن جا حق نقل ندارد.

سیره اهل بیت صلوات الله علیهم در ذکر مصائب این خاندان

در نقل مصائب اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین از عملکرد خود آن بزرگواران این استفاده شده است که مصلحت را در این می‌بینند که مردم یادشان نرود که این خاندان یعنی اهل بیت صلوات الله علیهم چه مصیبت‌هایی از دست دشمنان خدا و دین خدا چشیده‌اند و ایشان این مصائب را برای این که دین حق تعالی در بین مردم بماند تحمل کرده‌اند. تا مردم نگویند که ما قلب‌مان پاک است و نیاز به عمل به احکام نداریم. این القائات دشمن است. ما معتقدیم که اگر انسان در همین حد عقلایی به احکام واقعی دسترسی داشته باشد و به آن عمل کند، در شرایط بهتری قرار خواهد گرفت. سال‌ها قبل در بوسنی و هرزگوین نمازی که آن را نماز وحدت نامیده بودند در حالی برگزار شد که زن و مرد کنار هم ایستاده بودند و زن‌ها در صفوف نماز بی‌حجاب بودند. البته کنار هم بودن در صف مشکل فقهی ندارد، ولی بی‌حجاب بودن قابل قبول نیست، چون عبادت شرائطی دارد. اگر انسان در جامعه‌ی اسلامی که به احکام حلال و حرام و واجب و مستحب دسترسی دارد، حکم را به دست نیورد و از پیش خود کاری به نام عبادت انجام دهد مرتکب خلاف شده است. مانند این که بیماری بدون مراجعه به پزشک به داروخانه رود و از یکی از داروها به دلخواه مصرف کند. دین را نباید کوچک گرفت و باید بیش از دنیا به دین اهمیت داد.

از امیرالمؤمنین صلوات الله علیه سؤال می‌کنند که یک بنده چقدر می‌تواند در دنیا گناه کند؟ حضرت می‌فرماید: همان قدر که در قیامت تحمل عذاب و کیفر آن گناه را دارد. قیامت را نباید فراموش کرد. قوانین الهی جل جلاله را نباید فراموش کرد.

عملکرد ائمه‌ی طاهربین صلوات الله علیهم اجمعین نشان می‌دهد که آن بزرگواران نسبت به حادثه و واقعه‌ی کربلا حساسیت دارند و همه مقیدند به مردم این حساسیت را نشان بدهند. از امام هشتم صلوات الله علیه آن حدیث معروف نقل شده است که از ریان بن شیب در اول محرم سؤال می‌کند که آیا امروز روزه گرفته‌ای و می‌دانی که امروز چه روزی است؟ سپس حضرت شروع می‌کنند و حساس‌ترین مصائب را بیان می‌کنند. بنابر روایت دیگر، حضرت دستور می‌دهند که در اتاق پرده بکشند و خانم‌ها پشت پرده بنشینند و دعبل مصیبت بخوانند. ما باید این نکات را یاد بگیریم. اگر

کسی به ما انتقاد کرد که چرا عمر خود را در محرم و صفر صرف می‌کنید، باید جواب دهیم که ما می‌خواهیم بنده باشیم. مری‌های الهی چنین عمل کرده‌اند و ما هم باید همین روش را دنبال کنیم.

یکی از اشتباهات در کشور ما این است که تعطیلی‌های شرعی را به بهانه جلوگیری از صدمه دیدن اقتصاد کاهش دهند. بازار تهران بیست و پنجم ماه محرم الحرام را به عنوان شهادت امام چهارم صلوات الله علیه تعطیل می‌کرد. در روایتی هم دوازدهم محرم برای همین مناسبت ذکر شده است. اما دوازدهم محرم تحت عنوان سوم امام از قبل تعطیل بود. این نظر مطرح شد که این دو مناسبت ادغام و تعطیلی بیست و پنجم حذف شود. در کشورهای غربی شنبه و یکشنبه را تعطیل می‌کنند. یهودی‌ها شنبه‌ها و مسیحی‌ها یکشنبه‌ها را به عنوان تعطیلی مذهبی در نظر می‌گیرند و در این امر بر حسب ظاهر دینی، با هم همکاری می‌کنند. مشابه آن در کشور ما، تنها روز جمعه تعطیل است. مقایسه پنجاه و چهار روز تعطیلی مذهبی نسبت به کل روزهای تعطیل مذهبی در کشور ما نشان می‌دهد که آن‌ها روزهای بیشتری را در یک سال به دلایل مذهبی تعطیل می‌کنند. چرا اقتصاد آن‌ها با وجود این تعداد تعطیلی مذهبی شکست نمی‌خورد و ضعیف نمی‌شود اما اقتصاد ما با تعطیل کردن روز بیست و پنجم ماه محرم الحرام در شهادت امام چهارم صلوات الله علیه لطمه می‌خورد؟ روایاتی که ما از معصوم صلوات الله علیهم اجمعین در مورد رزق و روزی و وسعت رزق داریم، غربی‌ها ندارند. ما خدای رازق داریم، اما آن‌ها اعتقاد به خدای رازق ندارند.

در زیارت شریفه‌ای که از ناحیه‌ی مقدسه رسیده است، ظریف‌ترین مصائبی که به اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین و جد مطهر آن بزرگوار، ابی‌عبدالله صلوات الله علیه رسیده بیان شده است و تاکنون بعد از این مدت طولانی همه‌ی آن مصائبی که آقا در زیارت ناحیه‌ی مقدسه به زبان آورده و با لغت عربی بیان کرده‌اند، توسط مصیبت‌خوان‌ها و روضه‌خوان‌ها بیان نشده است. باید فکر کنیم که چرا آقا این مطالب را فرموده‌اند. آیا ایشان احساساتی شده‌اند؟ باید توجه کنیم که حضرت به چه کسانی سلام داده‌اند که تا الان مصیبت‌هایشان خوانده نشده است. این بیانات برای این است که ما این حوادث را به فراموشی نسپاریم و آن‌را تازه نگه داریم. ما می‌فهمیم که می‌توان از این احساسات که خدای متعال در نهاد همه‌ی مردم خلق کرده است، بیشترین استفاده و بهره‌برداری را به نفع دین کرد، پس نباید از آن غفلت کنیم.

بعد از سال‌ها که از عاشورای شصت و یک گذشته بود فرد خوبی از طایفه‌ی بنی‌اسد خدمت امام چهارم صلوات الله علیه رسید. حضرت به او فرمودند که آیا شما می‌دانید که ما یک خون از طائفه‌ی شما طلبکاریم. سپس حضرت به او که تعجب کرده بود فرمودند که مگر روز عاشورا حمله‌ای که از بنی‌اسد بود طفل شیرخوار، برادر من را نکشت؟ امام چهارم صلوات الله علیه با این اشاره، برای عربی از قبیله‌ی بنی‌اسد که شاید بی‌ارتباط با آن حوادث بوده است، متناسب با شرائط زمان و مکان، مصیبت را زنده می‌کند. این وظیفه‌ی شیعه است.

بعد از انقلاب یکی از روحانی‌های خوب آگهی کرده بود که مردم روضه‌های کوچک خود را در مساجد برگزار کنند. او به همه‌ی جوانب مسئله توجه نکرده بود. با دو دوتا چهارتای ریاضی مشخص می‌شود که اگر همین مجالسی که در خانه‌ها برگزار می‌شود و ذکر مصائب اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین می‌شود در مساجد برگزار شود، تعداد شرکت کنندگان از نصف هم کمتر می‌شود و این اشتباه است. یعنی خلاف فکر معصوم صلوات الله علیهم اجمعین است. امام هشتم صلوات الله علیه فرمود که امروز اول محرم است، پس خانم‌ها و آقایان به مسجد برویم و آن‌جا روضه بخوانیم. حضرت منزل خود را مجلس عزای ابی‌عبدالله صلوات الله علیه کرد.

حدود شصت سال قبل پیرمردی از اهل منبر به نام آقا شیخ ابراهیم بود که به صاحب‌الزمانی صلوات الله علیه معروف شده بود. در کوچه به اتفاق مرحوم حاج آقا با او برخورد کردیم و مرحوم حاج آقا وجه تسمیه‌ی او را این‌گونه بیان کردند: آقا شیخ ابراهیم که انسان نورانی و روشنی بود برای روضه خواندن به خانه‌ی محقر پیرزنی می‌رفته است که مستمع دیگری هم نداشته است. خدای متعال به این خانم این دید را داده بوده که متوجه می‌شود که مستمع دیگری غیر از خودش در مجلس حضور دارد و آن حضرت بقیه‌ی الله ارواحنا فداه است که به روضه‌ی آقا شیخ ابراهیم گوش می‌دهد.

مرحوم آقا سید مرتضی سبزواری که در مشهد بود به مرحوم حاج آقا گفته بود که من بیست و پنج سال به خانه‌ی کسی می‌رفتم و روضه هفتگی می‌خواندم اما او هیچ پولی به من نمی‌داد. آن قدر رفتم تا صاحب‌خانه از دنیا رفت. اما در این دوره این‌گونه نیست. جامعه به تدریج خراب می‌شود. آقا شیخ ابراهیم از آن موقع به صاحب‌الزمانی ملقب شد. او در یکی از مساجد ده-دوازده متری بازار آهانگرهای تهران ده-پانزده تا از جوان‌های هفده-هیجده ساله که شاگردی می‌کردند را جمع می‌کرد و دو ساعت بعد از مغرب اصول دین استدلالی برایشان می‌گفت.

میزانی که در آیه‌ی کریمه‌ی قرآن ذکر شده است، معصومین صلوات الله علیهم اجمعین هستند که قولشان، فعلشان و تقریرشان حجت است. ایشان چه برخوردی با مجلس عزای جدشان صلوات الله علیهم کرده‌اند؟ اگر آن‌را مهم دانستند، ما هم آن‌را مهم می‌دانیم. اگر بی‌وضو وارد نمی‌شدند، ما هم بی‌وضو وارد نمی‌شویم. شما تصمیم بگیرید مثل ائمه‌ی طاهریین صلوات الله علیهم اجمعین در مسائلی که می‌توانید و شهادت‌ش را دارید عمل کنید تا اثرش را ببینید. دلیل شرایط کنونی ما دشواری روی گردانی از دنیا برای ما است. قصه‌ی کربلا را همان‌گونه که معصومین صلوات الله علیهم اجمعین مورد توجه قرار داده‌اند، شما هم تا آن جایی که می‌توانید همین‌گونه تحویل بگیرید. از سوی گروهی این نظر مطرح می‌شود که به جای مصرف هزینه‌های عزاداری به فقرا کمک کنید. ما احتمال می‌دهیم که این نظریه از دشمن گرفته شده باشد یا دشمن به افراد کم‌شعور آن‌را القا کرده باشد. شایسته است که این نکات را مورد توجه قرار دهیم و روی آن فکر کنیم.